

امام خمینی^(ره) و مردم سالاری دینی

منطبق بر گفتار و کردار امام علی(ع)

ابوالقاسم بخشیان

کارشناس ارشد اصول دین

● اشاره:

نوشته حاضر حاصل تلاش برادر ارجمند ابوالقاسم بخشیان از مربیان گرامی ل ۱۷ علی بن ایبطالب (ع) است. در ضمن با ایشان در بخش «با مربیان موفق» همین شماره مصاحبه‌ای نیز انجام گرفته است.

ضمن تقدیر و تشکر از نویسنده محترم نظر خوانندگان گرامی را به مطالعه آن جلب می‌کنیم.

چکیده مقاله:

در این مقاله، در مقدمه به چند نکته ضروری قبل از ورود به بحث پرداخته‌ایم و سپس با عنوان «مردم پشتوانه اصلی حکومت‌اند» جایگاه آن‌ها را در نظام مردم سالاری دینی تبیین نموده‌ایم. بنابراین، حکومت «مردم سالار دینی» حکومتی است که مبانی فکری و ساز و کارهای اجرایی‌اش، آموزه‌ها و قوانین برآمده از دین و مورد خواست، رضایت و حمایت توده‌های مردمی بوده، بر اساس آرای مستقیم یا غیر مستقیم آنان شکل گرفته باشد. این شیوه حکومت دینی همان است که پیشوایان معصوم (ع) پیاده کرده و فرا راه نهاده‌اند. توضیح آن که مردم سالاری دینی هرگز به معنای نظام دموکراسی غربی نیست بلکه نظام خاصی با ویژگی‌های مخصوص به خود می‌باشد.

مردم سالاری دینی نه تنها استبداد و دیکتاتوری را بر نمی‌تابد که اصلی‌ترین هدف آن، ایجاد آزادی، کرامت انسانی، تعالی روحی مردم و رفع نیازمندی‌های مادی و معنوی آنهاست لذا به تعبیر مولا علی (ع) حاکم باید قلبش مملو از عشق و علاقه به مردم بوده، وجودش را وقف خدمت به آنها نموده باشد در چنین نظامی که بقاء و استمرارش به حضور مردم و همراهی آنهاست، کارگزاران حکومت باید با تمام وجود تلاش کنند رضایت مردم را تأمین و خواسته‌ها و عواطف‌شان را محقق سازند.

قرآن شریف سفارش نموده که در مقابل دشمن تا می‌توانید عِدّه و عُدّه فراهم نمایید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾ (انفال: ۶۰)

مولا علی (ع) نیز در نهج البلاغه می‌فرماید:

﴿الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ﴾^(۱)

همانا توده مردم اصلی‌ترین سرمایه حکومت در مقابل دشمن‌اند.

پس حفظ این پشتوانه باید اصلی‌ترین دغدغه حکومت باشد و بر همین اساس باید تمامی عوامل تأمین‌کننده رضایت آنها را مورد نظر قرار داده و در تحقق آنها بکوشد و اساسی‌ترین چالش حکومت که عدم حمایت مردم از آن است، فراروی آن قرار گرفته و زمینه سرنوشتی‌اش را فراهم می‌نماید. علی (ع) فرموده‌اند:

﴿أَفَةُ الْمُلْكِ، ضَعْفُ الْحِمَايَةِ﴾^(۲)

مشکل اساسی حکومت، ضعف حمایت مردم از آن می‌باشد

در نهج البلاغه عوامل چندی به عنوان راه‌های جلب رضایت مردم یافت می‌شود که ما به پنج عامل آن پرداخته‌ایم.

۱- حل مشکل مردم

از عوامل ایجاد روح اعتماد در مردم و پیوند آنها با حکومت توجه اساسی به مشکلات آنهاست به نحوی که سیاست‌گذاری‌های نظام باید با توجه به خواست و کشش مردم باشد علی (ع) به مالک فرموده‌اند: «اگر مردم زمینه پذیرش کاری را ندارند از آن بپرهیز.»^(۳)

۲- عدم خشونت و سخت‌گیری با مردم

علی (ع) در مواردی چند خطاب به والیان خود نوشته‌اند با مردم با احسان برخورد نموده و به هیچ روی خوف و وحشت در دل آنها ایجاد نکنید. در نگاه امام علی (ع) تحقیر

مردم برای مطیع نمودن، سیاست فرعونی است که: «إِسْتَحَفَّ قَوْمَهُ وَ أَطَاعُوهُ»؛ قومش را تحقیر می‌نمود، پس آنها او را اطاعت می‌کردند.

۳- تکریم مردم و شخصیت دادن به آنها

از جمله عوامل مؤثر در جلب رضایت مردم، دادن شخصیت و احترام و گرامی داشت آنهاست که مولا علی (ع) خود بر این مهم پافشاری کرده و سیره‌اش نمایشگر گفتارش در این زمینه می‌باشد.

۴- ساده زیستی رهبران و کارگزاران حکومت

همراهی مردم با حکومت و رضایت آنها در جایی کاملاً مشهود می‌گردد که ببینند حاکم و حکومتیان به جای بهره‌مندی مسرفانه از امکانات، در حدّ خود آنها و بلکه پایین‌تر هستند. این موضوع در بقاء حکومت بسی مؤثر است.

۵- رعایت حقوق مردم

حکومت همچنانکه متوقع است مردم تکالیفی را انجام دهند باید در قبال تکالیف، حقوق آنها را نیز رعایت و بدین ترتیب نظر مردم را به خود جلب و از همراهی آنها بهره‌برد.

مقدمه:

مردم سالاری دینی از اصطلاحات جدید در دوره تفکر بالیده دینی است که توسط مقام معظم رهبری وارد ادبیات انقلاب شده است و مضمون و محتوای آن صد در صد جوشیده از نصوص دینی و اسلام ناب محمدی (ص) می‌باشد.

مردم سالاری دینی حکومتی را ترسیم می‌کند که مبادی و بنیان‌های آن برخاسته از دین و تحقق و سامان یابی آن جوشیده از خواسته‌ها و عواطف مردم می‌باشد.

در این سیستم حکومتی، حاکم خدمتگزار ملت و اصلی‌ترین مسئولیتش ایجاد بستر مناسب برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و رفع نیازمندی‌های معنوی و مادی مردم و رشد و بالندگی آنها در همه زمینه‌هاست. در اینجا به چند نکته ضروری اشاره می‌نماییم:

۱- مردم سالاری دینی اگر چه اصطلاحی مرکب از دو عنوان «مردم سالاری» و «دینی» است لیکن در واقع و حقیقت خارجی یک واقعیت است و این واقعیت صد در صد اسلامی و متکی به ابعاد سیاسی - اجتماعی اسلام است.

۲- مراد از مردم سالاری به هیچ روی دموکراسی به مفهوم غربی آن نیست که مبتنی بر جهان بینی خاص و بی توجه به واقعیت وجودی انسان و احتیاجات حقیقی و سعادت اوست، بلکه منظور نوع خاصی از دموکراسی با آموزه‌های دینی است که مردم خود آزادانه دین را به عنوان مبنای حیات فردی و اجتماعی و معنوی خود پذیرفته‌اند؛ یعنی از یک طرف تکیه بر قوانین الهی دارد و از طرف دیگر خواسته مردم و گرایش آنها را در اظهار نظر و حضور برای تحقق این خواسته مورد نظر قرار می‌دهد.

۳- نظام مردم سالار توأم با دین، آزادی، کرامت و تعالی مردم را هدف اصلی خود دانسته و به هیچ روی استبداد و دیکتاتوری و فرمانروایی بدون چون و چرا را بر نمی‌تابد، بلکه از اعماق قلب، محبت به مردم و رحمت نسبت به آنها و تلاش دائمی برای حل مشکلات آنها را وجهه همت خویش می‌داند. لذا می‌بینیم امام علی (ع) به مالک نوشته‌اند:

«وَأَشِعُّ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ»^(۴)

قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن

۴- نظامی که بخواهد به جای عذوفت و مهربانی، با استبداد با مردم برخورد نموده و به جای خدمتگزاری، مردم را در استخدام خویش درآورد، چنین نظامی هر چند به ظاهر رنگ و لعاب دینی داشته باشد از محتوا و حقیقت حاکمیت و حکومت دینی به دور است و مشروعیت الهی - دینی ندارد. لذا با از دست دادن پشتوانه مردم و مقبولیت آنها زمینه شورش آنها و واژگونی خود را فراهم نموده است.

علی (ع) در این زمینه به مالک فرموده‌اند:

«لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ فَأَطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ... تَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْبِ»^(۵)

مگو من امیر هستم، امر می‌کنم پس باید مورد اطاعت قرار گیرم؛

که این مطلب تغییر و واژگونی حکومت را نزدیک می‌سازد

۵- نه تنها در تأسیس و شکل‌گیری نظام دینی، حضور مردم لازم است که اصلی‌ترین شرط بقاء و دوام آن نیز همانا حضور و همراهی آنان است و در واقع اگر مردم علت موجوده نظام‌اند، علت مبقیه آن نیز هستند. پس بقاء حکومت به همراهی مردم و همراهی مردم مبتنی بر رضایت آنها از حکومت است.

در این مقاله ما به این موضوع می‌پردازیم که «رضایت مردم در بقای حکومت اسلامی» چه نقشی دارد و مولا علی (ع) این حقیقت را چگونه ترسیم کرده و در سیره

خود به ما آموخته‌اند. نیز برای اینکه زمان خود و حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه را تا حدودی با معیارهای مطرح شده در بیان و سیرهٔ مولا، هماهنگ نماییم در تمامی موارد نظرات امام راحل را همراه با سخنان امام علی (ع) آورده‌ایم. تا روشن شود که این خلف صالح در ارائهٔ تئوری «حکومت دینی» دقیقاً ملهم از آن سلف صالح خویش می‌باشد و چیزی از پیش خود نیاورده است.

در واقع محتوای این مقاله بیانگر این حقیقت است که پشتوانهٔ اصلی حکومت اسلامی مردم‌اند. عوامل جلب رضایت آنان نیز یعنی «حل مشکل مردم»، «عدم سخت‌گیری و خشونت با آنها»، «تکریم و شخصیت دادن به مردم»، «ساده‌زیستی رهبران» و «رعایت حقوق مردم» مورد بحث قرار گرفته‌اند. تا بستر مناسب حمایت مردم از حکومتشان را ترسیم نموده و نیم‌نگاهی به مردم‌سالاری دینی در حکومت امام علی (ع) را به نمایش گذاشته باشیم.

مردم؛ پشتوانهٔ اصلی حکومت اسلامی

یکی از عوامل اساسی در سامان‌یابی و بقاء حکومت دینی همراهی و همکاری تودهٔ مردم با حکومت می‌باشد و همراهی حاصل نمی‌شود مگر اینکه حکومت در مسیر خدمت و تأمین رضایت مردم باشد. مردم سرمایهٔ اصلی و پشتوانهٔ بی‌بدیل حکومت‌اند، آنها اساس جامعهٔ اسلامی و تکیه‌گاه حکومت در مقابل دشمنان، بلکه در جمیع گرفتاری‌ها و مشکلات می‌باشند علی (ع) فرموده‌اند:

«... إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْغَدَّةُ لِلسَّعْيَاءِ، الْغَمَامَةُ مِنَ الْأُمَّةِ» (۶)

به درستی که ستون دین (آن چیزی که پایهٔ دین روی دوش آن است) و اساس جامعه اسلامی و توشهٔ جنگ علیه دشمنان، تودهٔ مردم هستند. بر همین اساس مولا رمز اصل همراهی مردم را که همان تأمین رضایت آنهاست مورد اشاره قرار داده و خطاب به مالک می‌فرماید:

«... وَ لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ... أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ» (۷)

چیزی باید پیش تو محبوب‌تر باشد که رضایت رعیت تو را بیشتر تأمین کند (باید سعی کنی رضایت مردم را به دست آوری)

امام راحل عظیم‌الشان نیز به این نکتهٔ اساسی توجه داشته و مکرر سفارش به خدمت

و تأمین رضایت مردم می‌نمود، او پشتیبانی ملت را رمز بقاء حکومت و این پشتیبانی را مبتنی بر جلب نظر مردم و تلاش در خدمتگزاری به آنها می‌دانست لذا می‌فرمود:

همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب بکنید در همه امور... شما مطمئن باشید که در این مشکلاتی که برای کشور ما پیدا شد... مشکلاتی بود که هر دولتی را، کمرش را خم می‌کرد، اینکه دولت ایستاده و به خوبی دارد عمل می‌کند برای این است که مردم هستند، کمک مردم است. (۸)

علی (ع) می‌فرمایند:

مالک، اگر توده مردم به تو بدگمان شدند سریعاً عذر کارها و قصورات را اعلام و گمان‌ها را به خود نیکو کن... که این موجب رفاقت میان تو با مردم می‌شود. (۹)

امام راحل نیز فرموده‌اند:

باید رفتارتن با مردم طوری باشد که هنگام مشکلات همین مردم مشکلاتتان را رفع کنند... باید کاری بکنید که ذائقه تلخی که مردم در گذشته از دیگران داشته‌اند به ذائقه شیرینی مبدل سازید که اگر چنان چه خدای نخواستہ مشکلی برایتان پیدا شد همین (مردم) کوچه و بازار بیایند و مشکل شما را رفع کنند. (۱۰)

آنچه موجب بحران در ادامه بقاء حکومت می‌گردد همانا جدا شدن مردم از حکومت و حاکمان و عدم حمایت از آنهاست. علی (ع) این نکته را چنین متذکر شده‌اند:

«أَفَةُ الْمَلِكِ ضَعْفُ الْحِمَايَةِ» (۱۱)

آفت و مشکل اساسی حکومت، ضعف حمایت مردم از حکومت می‌باشد.

امام راحل نیز در وصیتنامه خویش به این موضوع پرداخته و فرموده‌اند:

همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید... اگر روزی از پشتیبانی آنها محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید... بنابراین حقیقت ملموس باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی، انسانی احتراز نمایید. (۱۲)

عوامل جلب رضایت مردم

۱- حل مشکلات مردم

حکومت‌هایی که یا از آغاز پشتوانه مردمی نداشته یا به تدریج بین آنها و مردم فاصله افتاده است حکومت‌هایی هستند که به جای حل مشکل مسائل و مشکلات مردم صرفاً به وعده و وعید اکتفا می‌کنند، کارهای کوچک خود را بزرگ جلوه داده و با منت‌گذاری بر مردم خود را طلبکار می‌دانند. آنان در مواردی، بدون توجه به کشش مردم و خواست آنها به سیاست‌گذاری و تدابیری دست می‌زنند که روح اعتماد را بین خود و توده مردم از میان برده و زمینه اتکا به مردم در مشکلات حکومت را از بین می‌برند.

علی (ع) به مالک می‌فرماید:

پرهیز از اینکه بر مردم منت‌گذاری و کار خودت را بزرگ جلوه دهی و اینکه وعده دهی و خلف وعده کنی چون خلف وعده خشم خدا و مردم را بر می‌انگیزد (۱۳)

و پرهیز از انجام کاری که مردم زمینه پذیرش آن را ندارند و وقت انجامش نیست (۱۴)

امام راحل فرموده‌اند:

چوری عمل نکنید که مردم از شما انتزاع این را بکنند که شما می‌خواهید خدمت بکنید، باید ما از مرحله لفظ و شعار بیرون برویم و به مرحله عمل برسیم، وقتی مردم دیدند که شما در صدد خدمت به آنها هستید، طبیعی است که آنها هم به شما کمک بکنند. (۱۵)

اینکه موفقیت یا شکست دولتی به ویژه دولت اسلامی به حل مشکلات مردم بستگی فراوان دارد امری بدیهی است. پروفیسور چارلز آدامز در مصاحبه‌ای در رابطه با موفقیت دولت اسلامی و آینده جهان اسلام گفته‌اند:

در ارتباط با آینده جهان اسلام باید بگویم دو عامل است که موفقیت یا شکست نهایی دولت‌هایی که خودشان را اسلامی می‌نامند به آنها بستگی دارد: عامل نخست توانایی دولت مربوطه است در حل مشکلات ابتدایی مردم مانند غذا، بهداشت و دارو و درمان، مسکن،

تعلیم و تربیت و برطرف کردن این گونه نارسایی‌های اجتماعی... اگر دولت‌ها بتوانند از پس این مشکلات برآیند و به نحوی مؤثر با آن برخورد کنند، موفق خواهند شد که پایه‌های حکومتی خود را محکم کنند و به عنوان عناصر ثابت و پایدار دنیای مدرن درآیند... عامل دوم به نظر من رهبری است. (۱۶)

ویل دورانت در تاریخ تمدنش آنجا که موفقیت‌های ناپلئون را بیان می‌کند، علت گرایش توده مردم به او را چنین بیان می‌کند:

ناپلئون با تعرفه‌های حمایتی، مشکلات مالی صنایع فرانسه را حل... بیکاری را با کارهای عام المنفعه پر درآمد از بین برد. او توجه داشت که دستمزدها با قیمت‌ها متناسب باشد... تا آخرین سال‌های فرمانروایی ناپلئون، دستمزدها سریع‌تر از قیمت‌ها بالا رفت، طبقه کارگر در پیشرفت عمومی سهم بیشتری داشت و به ناپلئون افتخار می‌کردند... (۱۷)

مقام معظم رهبری در سخنرانی اخیرشان پیرامون اصلاحات، آنجا که فروپاشی شوروی را متذکر شدند، فرمودند:

... عوامل فروپاشی در درون نظام شوروی وجود داشت و از آن عوامل دشمنان بهترین استفاده را کرد. آن عوامل چه بود؟ فقر شدید اقتصادی، فشار بر مردم، اختناق شدید، فساد اداری و بوروکراسی... (۱۸)

امام راحل نیز رفع حاجات مردم، حل مشکلات آنها و رسیدگی عملی به گرفتاری‌ها را عامل حضور مردم و بقاء حکومت اسلامی می‌دانستند و می‌فرمودند:

خدمت به مردم و رفع حاجات آنان و تربیت علمی و اخلاقی بندگان خدا... بر هر چیز مقدم است. (۱۹)

و در جای دیگر فرموده‌اند:

مردم به جای برنامه دادن، عمل می‌خواهند، مردم دین خودشان را به جمهوری اسلامی تا کتون ادا کردند، به تکلیف خودشان مردم عمل کردند، اشکال در ماه‌هاست، باید جواب مردم را بدهیم. (۲۰)

همچنین گفته‌اند:

سرافرازی شما رهین حضور دائمی مردم در صحنه است، سعی کنید با

خدمتتان به مردم این حضور دائم را جاودانه کنید. (۲۱)

یکی از یاران امام می‌گوید:

امام در مدرسهٔ رفاه بودند، تلویزیون فیلمی از حلبی آباد و مردم بیچارهٔ جنوب شهر پخش کرد، امام به شدت متأثر و غمگین شدند و همان شب دستور تشکیل بنیاد مستضعفان را صادر و خطاب به برخی مسؤولین گفتند: اگر رسیدگی نکنید به وضع فقراء همه‌تان را کنار می‌گذارم! (۲۲)

۲- عدم خشونت و سخت‌گیری بر مردم

یکی دیگر از عوامل پیوند میان حکومت با مردم و از اسباب تأمین رضایت آنها حسن معاشرت و خوشرفتاری با آنها و ترک خشونت و سخت‌گیری است.

علی (ع) خطاب به ابن عباس که والی بصره بودند، نوشته‌اند:

با احسان و نیکویی با اهل بصره برخورد کن و خوف و وحشت آنها نسبت به حکومت را برطرف نما... خشونت و سخت‌گیری تو بر بنی تمیم به من رسیده... با آنها مدارا کن و نظر مرا نسبت به خودت تغییر مده. (۲۳)

و در نامهٔ نوزدهم خطاب به والی دیگر نوشته‌اند:

... همانا دهقانان و مردم ولایت تو از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم توسط تو شکایت کرده‌اند... آنان سزاوار قساوت و بدرفتاری نیستند. (۲۴)

همچنین مولا امیرالمؤمنین (ع) بعد از جنگ جمل وارد کوفه شد و در خطبه‌ای از کسانی که در کوفه مانده و به همراهی او نیامده‌اند زبان به شکایت گشود. مالک بن حبیب یربوعی که رئیس شهربانی کوفه از طرف علی (ع) بود بلند شد و گفت: اجازه دهید تا آنها را از دم تیغ بگذرانیم، چون خشونت و فشار بهتر می‌تواند مردم را به اطاعت بکشاند. علی (ع) (ناراحت شده) و با او برخورد نمودند و در جواب او گفتند: «چرا معیار حق را از دست می‌دهی و آخرین تیر را به ترکش می‌گذاری.» (۲۵)

امام راحل نیز که در قول و فعل به سیرهٔ امیرالمؤمنین (ع) بودند، فرموده‌اند:

مبادا یک وقت در ضمن اینکه شما خدمت می‌کنید، یک درشتی

باشد که خدمت شما را در خودش محو کند، باید اخلاق اسلامی، آداب اسلامی مراعات بشود. همانطور که شیوه ائمه و اولیاء خدا بوده است که خودشان را خدمتگزار مردم می‌دیدند، با حسن معاشرت، با رفتار انسانی، با رفتار الهی رفتار می‌کردند. (۲۶)

و در جای دیگر بیان داشته‌اند:

مسئله دیگر رفتار نهادهای حکومتی با مردم است، باید حرکت ما به صورتی باشد که مردم بفهمند اسلام برای درست کردن زندگانی دنیا و آخرت آمده است. تا ملت احساس آرامش کند... ما باید بسیار به فکر مردم باشیم و به آنان سخت نگیریم که از صحنه خارج شوند. (۲۷)

همچنین گفته‌اند:

نباید دنبال عیب دیگران رفت، باید آبروی مردم را حفظ کنید... احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد. (۲۸)

۳- شخصیت دادن به مردم و تکریم آن‌ها

از جمله عوامل مؤثر در جلب نظر و رضایت مردم، دادن شخصیت به آنها و احترام و گرامیداشت آنهاست ایجاد بستر مناسب برای حضور در صحنه‌ها، مشارکت آنها، ایجاد زمینه ابراز انتقاد و ایجاد روحیه نقادی و نظارت مسؤولانه و درخواست اظهار نظر و مشورت با آنان و همچنین پرهیز از تحقیر و کوچک شماری آنها موجب اتصال و پیوند با حکومت می‌گردد.

علی (ع) با ایجاد روحیه تلق و ثنا گویی در میان مردم مبارزه و آنها را تشویق به اظهار نظر می‌نمودند. لذا خطاب به آنها فرموده‌اند.

فَلَا تَتَّبِعُوا عَلَيَّ لِيَحْمِلَ ثَنَاءٌ... فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُونَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ... فَلَا تَكْفُوا عَن مَّقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بِعَدْلِ... (۲۹)

به مدح و ثنای من نپردازید... آن چنانکه با جباران و ستمگران سخن گفته می‌شود (سخن همراه با ترس و رعب از طرف مقابل) با من سخن نگوئید... و از قول حق و مشورت عادلانه خودداری نکنید.

امام راحل عزیر نیز می‌فرمود:

من مدت‌ها است که وقتی می‌بینم رادیو تلویزیون را هر وقتی بازش

می‌کنم از من اسم می‌برد، خوشم نمی‌آید، ما باید به مردم ارزش بدهیم. (۳۰)

باید اساس را مردم و فکر مردم قرار داد و باید بفکر مردم بود... باید کاری کنیم که مردم خودشان حکومت را بدست گیرند. (۳۱)

امروز شما می‌بینید که ملت در همه جا، در همه امور کار دارد و این از خصوصیات اسلام است و از خصوصیات کشور اسلامی و جمهوری اسلامی که مردم خودشان در صحنه باشند و خودشان ناظر امور باشند. (۳۲)

مقام معظم رهبری نیز به این نکته اساسی توجه نموده و فرموده‌اند:

از اول انقلاب تا امروز هر جایی که مسئولان کشور، آماده بودند حرف مردم را بشنوند و به مردم بها بدهند و اعتنا بکنند ما پیشرفت داشته‌ایم. در هر نقطه‌ای که مسئولین مملکت مردم را داخل آدم ندانسته‌اند و بی‌اعتنایی به آراء مردم در دل آنها رسوخ داشت، همانجا ما دچار ضربه شده‌ایم. (۳۳) شخصیت دادن به مردم و تکریم آنها سیره مولا علی (ع) بود لذا هنگامی که به «انبار» وارد شدند و مردم به دنبال مرکب او می‌دویدند، آنها را از اینکار نهی فرمودند، چرا این کار را می‌کنید؟ گفتند رسم ما در برخورد با امیران مان چنین است. مولا فرمودند این کار شما سودی به حال امیر نداشته و موجب مشقت در دنیا و شقاوت در آخرت برای شماست. لذا از این کار منعشان داشته و کرامتشان را به آنها بازگرداند. (۳۴)

امام راحل (ره) در این رابطه فرموده‌اند:

حضرت امیر سلام الله علیه در حالی که به حسب فهم جامعه، ریاست یک کشور بسیار بزرگی را داشت از حجاز تا مصر، عراق، ایران، همه را داشت، آن وقت چه جور بود وضعش، چه جور بود سلوکش با مردم چه بود سفارش‌هایی که به عمالش... فرموده‌است. (۳۵)

آن عزیز سفر کرده هیچ گاه خود را به چشم رهبر و فردی ممتاز از مردم نمی‌دید و کراراً با عنوان اینکه خدمت‌گزار و خادم مردم‌اند، درس مهرورزی و عطاوت به همه

کارگزاران نظام می‌دادند.

ع- ساده زیستی رهبران

عامل مهم دیگری که در جلب نظر توده مردم و همراهی آنها با حکومت، نقش قابل توجهی دارد ساده زیستی و همگونی زندگی رهبران و کارگزاران حکومت با مردم است. اگر مردم ببینند حاکم در بهره‌مندی از امکانات برای خود امتیازی قائل نیست و برای همدردی و همراهی با آنان اگر در موقعیتی نیست که مشکلات آنها را مرتفع سازد، حداقل از نوع زندگی بمانند آنهاست، مردم نیز با صبر و تحمل مشکلات، تلاش می‌کنند با همراهی خود معضلات اجتماع را از میان بردارند. برعکس اگر اکثریت جامعه که به صورت طبیعی از اقشار محرومند، بسینند تبعیض و اختلاف شدید در بهره‌وری از امکانات، حاکمان و رهبران را به صورت قشری مرفه و برخوردار و جدای از آنها در آورده، به تدریج نه تنها از حکومت و دولت جدا می‌شوند که با هیجانان و شورش‌ها، زمینه سقوط حکومت را فراهم می‌نمایند. علی (ع) یکی از اصحاب خود بنام «عاصم بن زیاد» را که با عزلت و گوشه‌گیری، زن و بچه را ترک و به زهد و شکل خاصی از زندگی رو آورده بود، مورد توبیخ قرار داد که چرا اینگونه زندگی سخت و لباس و خوراک اینچینی را اختیار نموده است؟ او در جواب مولا عرض کرد: یا علی زندگی و لباس شما از من بسی فقیرانه‌تر است، آن وقت مرا موعظه می‌کنی؟! علی (ع) در جواب او فرمود:

إِنِّي لَسْتُ كَأَنَّكَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيَّ أُمَّةَ الْعَدْلِ أَنْ يُعَدِّدُوا أَنْفُسَهُمْ
بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ؛ (۳۶)

من مثل تو نیستم، خداوند بر پیشوایان حق واجب شمرد، که بر خود سخت گیرند و همچون طبقه ضعیف مردم باشند، تا نداری فقیر او را به هیجان نیاورد، (که سر از فرمان برتابد).

عثمان بن حنیف انصاری، والی بصره، را که از اصحاب خوب اوست به شدت توبیخ می‌کند که چرا در مجلس و بر سفره مرفهین شرکت کرده است، بعد می‌گوید امام تو به دو قرص نان و دو جامه کهنه اکتفاء کرده است. (۳۷)

چنانچه نوشته‌اند، علی (ع) در دوران حکومتش با اینکه بیت‌المال در اختیارش بود، در زمستانی به خود می‌لرزید و از بیت‌المال، صرفاً به قطیفه‌ای کهنه اکتفاء نموده بود. (۳۸)

امام راحل نیز در این زمینه به مولای خویش اقتدا نمود و در قول و فعل پیرو صدیق

آن ولیّ حق بود لذا فرموده‌اند:

حکومت اسلام و شخص اول که خلیفه است بر مسلمین و به منزله سلطان است نسبت به مسلمین، زندگی عادی‌اش از افراد طبقه سه پائین تر و با مردم، با همان طبقه فقرا هم درجه در زندگی هستند. (۳۹)

ایشان خروج علما را از زئی طلبگی عامل تزلزل عقیدتی مردم و جدا شدن از نظام اسلامی و از بین رفتن جمهوری اسلامی دانسته و در دیدار با اعضاء مجلس خبرگان فرموده‌اند: «مبادا یک وقت از این زئی طلبگی خارج شوید که خروج شما موجب تزلزل عقیدتی مردم می‌شود.» (۴۰)

۵- رعایت حقوق مردم در قبال تکلیفی که دارند

یکی از نکات اساسی در حفظ مردم و جلب همراهی آنها تأمین حقوق آنها و پاسخگویی صحیح به مطالبات مشروع آنهاست. البته بحث حقوق و تکلیف، بحثی گسترده است و بقاء هر حکومتی به رعایت طرفینی حقوق حاکم و مردم نسبت به یکدیگر است.

علی (ع) با اشاره به ثمرات تلخ منع مردم از حقوقشان فرموده‌اند:

«إِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ أَنْهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ...» (۴۱)

همانا آنچه امت‌های قبل از شما را به هلاکت (سقوط و اضمحلال) کشاند این است که آنها مردم را از وصول به حقوقشان منع کرده و حقوقشان را رعایت نمی‌کردند.

امیرمؤمنان (ع) در چندین مورد به حقوق مردم و حکومت اشاره و آنها را بر شمرده است و رعایت این حقوق طرفینی را ضامن بقاء حکومت دانسته‌اند. (۴۲)

در عبارتی فرموده‌اند:

... إِذَا آذَتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ آذَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَزَتْ عَلَى آدِلَائِهَا السُّنَنُ، فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَ طُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَسَّسَتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ (۴۳)

هنگامی که مردم حق والی و والی حقوق مردم را ادا کنند، در میانشان حق سربلند و روش‌های دینی برپا و نشانه‌های عدالت آشکار می‌شود، سنت‌های (صحیح) در بستر مناسب خود جریان یافته و روزگار (مردم) اصلاح می‌گردد. و (آنوقت) می‌توان به بقاء و استمرار حکومت دل

بست و (در چنین حالی) دشمن مأیوس می‌گردد.

رهبر کبیر انقلاب (ره) نیز فرموده‌اند:

اسلام در رابطه بین دولت و زمامدار و ملت ضوابطی و حدودی معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز چنین رابطه‌ای یعنی مسلط و زیر سلطه به وجود نمی‌آید. (۴۴)

خدمت به مردم در نگاه امام خمینی (ره) یکی از حقوق مردم است که حکومت و رهبران حکومت باید با افتخار به آن قیام کنند. لذا در چند مورد فرموده‌اند:

چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان تاریخ بشریت افتخار نکنیم؟ (۴۵)

امیدوارم که خداوند به همه ما توفیق بدهد که به این ملت خدمت بکنیم. (۴۶)

خداوند... خدمت ما را پیش خودت (که خدمت به اینها (مردم) خدمت به توست) این را بپذیر (۴۷)

شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه خدمت به شما می‌گذرد. (۴۸)

امام راحل حاصل رعایت حقوق مردم و خدمت به آنها را دو مطلب اساسی دانسته‌اند:

۱- همراهی و حمایت مردم
مسئلاً وقتی مردم دیدند کارهایشان خوب و به آنان خدمت می‌کنید، با شما همراهی و کمک می‌کنند. (۴۹)

۲- مأیوس شدن دشمنان به واسطه این حضور و همراهی
دولت‌ها همیشه طمع‌شان نسبت به دولت‌های دیگر است، وقتی می‌توانند کودتا یا حمله کنند که ملت در صحنه نباشد، ولی وقتی ملت در صحنه بود چه کاری از آنان ساخته است؟ (۵۰)

پی نوشت:

- ۱ - نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (انتشارات مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی شاکر، چاپ اول ۱۳۷۹) نامه ۵۳ قسمت ۲۳، ص ۵۶۸
- ۲ - میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری (انتشارات مکتب علوم اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۲) ج ۱ ص ۱۱۲
- ۳ - نهج البلاغه، همان، نامه ۵۳، قسمت ۱۴۸، ص ۵۹۰.
- ۴ - همان، نامه ۵۳، قسمت ۸، ص ۵۶۶
- ۵ - همان، نامه ۵۳ قسمت ۱۳، ص ۵۶۶ و ۵۶۷.
- ۶ - همان، نامه ۵۳ قسمت ۲۳، ص ۵۶۸
- ۷ - همان، نامه ۵۳، قسمت ۲۰، ص ۵۶۸
- ۸ - صحیفه نور، امام خمینی (ره)، ج ۱۸، ص ۲۵۱
- ۹ - نهج البلاغه، نامه ۵۳، قسمت ۱۳۰، ص ۵۸۶
- ۱۰ - صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۷۸
- ۱۱ - میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۱۲
- ۱۲ - وصیت نامه موضوعی امام (ره)، ص ۶۵
- ۱۳ - نهج البلاغه، نامه ۵۳، قسمت ۱۴۷ و ۱۴۶، ص ۵۸۹
- ۱۴ - همان، نامه ۵۳، قسمت ۱۴۸، ص ۵۹۰
- ۱۵ - صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۳۸
- ۱۶ - مجله کيان، شماره ۸، ص ۱۰
- ۱۷ - تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه اسماعیل دولتشاهی و علی اصغر بهرام بیگی (انتشارات آموزش انقلاب اسلامی) ج ۱۱، ص ۳۳۲
- ۱۸ - روزنامه جمهوری اسلامی، تاریخ ۷۹/۴/۲۲، ص ۱۴
- ۱۹ - صحیفه نور، ج ۱۸ ص ۲۲۷
- ۲۰ - همان، ج ۱۵، ص ۱۰۳
- ۲۱ - رویدادها و تحلیل ش ۱۵۰، ص ۴۲
- ۲۲ - سرگذشت‌های ویژه زندگی امام، رضا شعریانف، ج ۴، ص ۷۵ و ۷۶
- ۲۳ - نهج البلاغه، نامه ۱۸، ص ۴۹۸
- ۲۴ - نهج البلاغه، نامه ۱۹، ص ۴۹۸
- ۲۵ - سیره علوی، محمد باقر بهبودی (چاپ اول ۱۳۶۸) ص ۱۳۰
- ۲۶ - صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۶۹
- ۲۷ - همان، ج ۲۰، ص ۲۱۲
- ۲۸ - همان، ج ۱۷، ص ۱۴۷
- ۲۹ - نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، ص ۴۴۴
- ۳۰ - صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۰۶
- ۳۱ - همان، ج ۱۵، ص ۱۹۰
- ۳۲ - همان، ج ۱۴، ص ۱۶۷
- ۳۳ - حکومت در اسلام، خطبه‌های نماز جمعه مقام معظم رهبری، ص ۱۸
- ۳۴ - نهج البلاغه، حکمت ۳۷، ص ۶۳۱

- ۳۵- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۷۱
- ۳۶- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، قسمت ۴ و ۳، ص ۴۳۰
- ۳۷- همان، نامه ۳۷، ص ۵۴۲ و ۵۴۳
- ۳۸- خلیفات ثورة الامام حسين (ع) (وارث الانبياء)، محمد مهدي آصفی (انتشارات مرکز تدریس نهضت امام حسین (ع)) ص ۳۳
- ۳۹- صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۱۴۱
- ۴۰- همان، ج ۱۸، ص ۴۱۲
- ۴۱- نهج البلاغه، نامه ۷۹، ص ۶۲۰
- ۴۲- همان، خطبه ۳۴، قسمت ۹ و ۱۰، ص ۸۶
- ۴۳- همان، خطبه ۲۱۶، ص ۴۴۱
- ۴۴- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۹۰
- ۴۵- همان، ج ۲۰، ص ۱۳۰
- ۴۶- همان، ج ۱۹، ص ۲۶
- ۴۷- همان، ج ۱۹، ص ۲۸۲
- ۴۸- همان، ج ۲۰، (۲۹ و ۴ و ۶۷)
- ۴۹- همان، ج ۱۹، (۲۴ و ۴ و ۶۴)
- ۵۰- همان، ج ۱۵، (۱۱ و ۷ و ۶۰)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی